Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

مقالهٔ علمی پژوهشی

توسعه‌گرایی و فقرزدایی در دولت‌های پنجم و ششم جمهوری اسلامی ایران

نرجس‌خاتون اسعدی‌خلیلی،[۱] فرشاد مؤمنی،[۲] اکبر طالب‌پور،[۳] علی باصری[۴]

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۵۶۴۰-۰۲۴۴
شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۹۷۷۲-۳۹۷۱
شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۱۶۴۴-۶۱۱۷
شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۳۱۵-۰۸۸۴

چکیده

یکی از ویژگی‌های برجستهٔ دولت‌ها، توانایی در پیشبرد اهداف توسعهٔ همه‌جانبه و متوازن کشور است که می‌تواند نتایج ارزشمندی در ارتقای کیفیت زندگی مردم و فقرزدایی داشته باشد. هدف پژوهش حاضر مطالعهٔ الگوی توسعه‌گرایی دولت‌های پنجم و ششم جمهوری اسلامی و نقش آن در فقرزدایی است. این مطالعه با روش ترکیبی در دو گام انجام گرفته است. در گام نخست، از روش تحلیل محتوای کیفی و تکنیک تحلیل مضمون (تماتیک) برای بررسی الگوی توسعه‌گرایی دولت استفاده شد. بدین‌منظور با ۱۷ نفر از خبرگان که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند، مصاحبهٔ عمیق نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد که بر پایهٔ یافته‌ها، دو بُعدِ تأکید بر نقش مردم در دولت و دولت متکی بر دیوانسالاری وبری و شش مؤلفه شناسایی شدند. در مرحلهٔ تحلیل محتوای کمّی نیز عناوین خبری روزنامه اطلاعات به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های خبری دولت طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ (دورهٔ هشت‌سالهٔ دولت‌های پنجم و ششم) بررسی شد. نتایج گویای آن بود که طی این سال‌ها ویژگی‌های متکی بر دیوان‌سالاری وبری، حجم زیادی از عناوین خبری دولت را به خود اختصاص داده؛ اما در زمینهٔ جامعهٔ مدنی و درآمیختگی دولت با آن کمتر سخن به میان رفته است. افزون بر آن، دولت صرفاً به‌منظور پیشبرد اهداف اقتصادی خود به مردم رجوع نموده است. همچنین، شاخص‌های اقتصادی در دورهٔ موردبررسی حکایت از افزایش فقر داشت که می‌توان آن را با ضعف الگوی توسعه‌گرایی دولت مرتبط دانست. بر پایهٔ نتایج، توسعه‌گرایی دولت‌های پنجم و ششم ناقص بوده که گسترش فقر طی سال‌های موردبررسی را در پی داشته است.

واژگان کلیدی: الگوی توسعه، دولت توسعه‌گرا، جامعهٔ مدنی، دیوان‌سالاری، فقر.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران/sadinarges@yahoo.com
۲. استاد گروه برنامه‌ریزی و توسعهٔ اقتصادی، دانشکدهٔ اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران(نویسنده مسئول)/farshad.momeni@gmail.com
۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران/a.talebpour@alzahra.ac.ir
۴. استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران/baseidon@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۵
دوفصلنامهٔ مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۳۱۱ تا ۳۴۲
ISSN: 2476-6933/ © Kharazmi University

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

Investigating the Relationship between Developmentalism and Poverty in the Fifth and Sixth Governments of the Islamic Republic of Iran

Narjes khatoon Asaadi Khalili
PhD student, Department of Economic Sociology and Development, Islamic Azad University of Science and Research, Iran (sadinarges@yahoo.com)

Farshad Momeni (corresponding author)
Professor, Development Economics, Allameh Tabatabai University, Iran (farshad.momeni@gmail.com)

Akbar Talebpoor
Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran (a.talebpour@alzahra.ac.ir)

Ali Baseri
Assistant Professor, Department of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (baseidon@yahoo.com)

Research Article

Abstract

One of the prominent characteristics of governments is the ability to advance the country's development goals in a comprehensive and balanced way, which can bring valuable results in the field of improving people's quality of life and poverty alleviation. The purpose of the current research is to study the pattern of developmentalism of the fifth and sixth governments of the Islamic Republic and its role in poverty alleviation. This study was conducted with a two-step combined method, including qualitative content analysis and quantitative content analysis. In the first step, the method of qualitative content analysis and thematic analysis technique were used to examine the developmentalism pattern of the government. For this purpose, an in-depth semi-structured interview was conducted with 17 experts who were selected purposefully, and based on the findings, two dimensions of emphasis on the role of the people in the government and a government based on Weberian bureaucracy and six components were identified. In the quantitative content analysis stage, the news headlines of the newspaper "Ettela`at" as one of the main news bases of the government during the years 1368 to 1376 (the eight-year period of the fifth and sixth governments) were searched and analyzed. The results showed that during these years, the features that rely on Weberian bureaucracy have occupied a large amount of government news headlines; but in the field of civil society and the integration of the government with it, less has been said. In addition, the government has turned to the people only in the economic development of the country and to receive financial aid in order to advance its economic goals. Also, the economic indicators in the period under review indicated an increase in poverty, which can be related to the weakness of the government's development model. Based on the results, the developmentalism of the fifth and sixth governments was incomplete, which led to the spread of poverty during the years under review.

Keywords: Development model, Developmentalist government, Civil society, Bureaucracy, Poverty.

Social Problems of Iran
Biannual Journal, Vol. 14, No. 2, Autumn & Winter 2024, 311-342.
Received: 12/10/2023 Accepted: 2/1/2024

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

۱. مقدمه و بیان مسئله

اروپای غربی و شمالی میزبان برخی از ثروتمندترین کشورها و سخاوتمندانه‌ترین دولت‌های رفاه در جهان هستند. در این کشورها گسترش فقر و بازتولید آن به‌عنوان یک مسئلهٔ اجتماعی در عصر حاضر دیگر مطرح نیست (کارلسون و وامستاد،[1] ۲۰۲۰). بر همین اساس، بسیاری از کشورهای مناطق کمترتوسعه‌یافته با الگوگیری از این کشورها و با هدف بهبود وضعیت رفاهی شهروندان خود، سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش‌های اقتصادی کرده‌اند؛ اما به دلایلی همچون محدودیت بودجه‌ای، شعارزدگی سیاسی، نبود سیستم نظارتی و ارزیابی صحیح در تخصیص مناسب منابع مالی و اجتماعی با شکست مواجه شده‌اند و این وضعیت به‌ویژه در مناطق روستایی بسیار حادتر است (فورکور و کورا،[2] ۲۰۲۲). در این وضعیت، آنچه ذهن بسیاری از اندیشمندان و متفکران را به خود مشغول کرده، این است که نقش دولت‌ها در فراهم‌کردن زمینه‌های کاهش فقر و افزایش رفاه در جامعه، مهم‌تر است یا جامعه؟

از دههٔ ۱۹۸۰ دولت‌ها در سراسر جهان از مدیریت مشارکتی و شبکه‌ای در ارائهٔ خدمات عمومی استقبال کرده‌اند. سازمان‌های غیردولتی وارد عرصه شده‌اند و در کنار دولت‌ها در ارائهٔ خدمات و در برخی موارد در شکل‌دهی سیاست‌های عمومی مشارکت داشته‌اند (فرید و لی،[3] ۲۰۲۱). گروه‌های مدنی می‌توانند نقش برجسته‌ای در جلوگیری از فقرزدایی و گسترش شکاف فزاینده میان گروه‌های فقیر و غنی ایفا کنند. صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی، این گروه‌ها می‌توانند از افراد فقیر، تنها به دلیل حقوقشان به‌عنوان یک انسان حمایت کنند (کارلسون و وامستاد، ۲۰۲۰).

دولت‌ها و سازمان‌های مدنی بر اساس اصول حقوق متفاوت خود، مسئولیت کاهش فقر و رفع زمینه‌های تولید و گسترش آن را با همکاری همدیگر پذیرفته‌اند (همان)؛ بر این اساس، توجه به نهادهای مدنی توسط بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای توسعهٔ مناطق کمتربرخوردار اهمیت بسیاری دارد و این امر باعث رشد سازمان‌های غیردولتی شده است. سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در ادبیات توسعه در جهان معاصر به خود اختصاص داده‌اند (فورکور و کورا، ۲۰۲۲).

1. Karlsson & Vamstad
2. Forkuor & Korah
3. Farid & Li

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

در ایران، تحولات مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینهٔ شکل‌گیری گفتمان سازندگی را فراهم آورد. پایان‌یافتن جنگ و خواست عمومی جامعه مبنی بر توسعه و رفاه بیشتر و رفع مشکلات ناشی از بحران‌ها، همراه با تحولات اجتماعی داخلی و جایگاه خاص شخص رئیس دولت جدید از یک‌سو و شکست و به‌حاشیه‌رفتن تفکرات و سیاست‌های ساختگرای مارکسیستی و تک‌تازی آموزه‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری در سطح جهانی از سوی دیگر، در اتخاذ گفتمان سازندگی با مختصات خاص خود نقش اساسی داشته‌اند (پروانه، ۱۳۹۴).

به‌کارگیری سیاست نئولیبرالیستی «تعدیل ساختاری» یا «تعدیل اقتصادی» از ابتدای دورهٔ سازندگی، سبب شد که مسیر توسعهٔ کشور در جهت دیگری قرار گیرد. همچنین نوسانات شدید بازار، تورم، نرخ رشد بیکاری، افزایش مهاجرت و تخلیهٔ روستاها به سبب کاهش مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی دولت عملاً وضعیت کشور را با نوعی بی‌ثباتی روبه‌رو کرد و اتفاقاً بسیاری از پیامدهای این سیاست‌ها نیز در حال حاضر به صورت‌های مختلف نمود عینی دارد (شیرعلی، ۱۳۹۹). در این گفتمان عمل‌گرا، تعدیل و توسعهٔ اقتصادمحور جایگاه دالّ مرکزی را به خود اختصاص داده و دال‌های شناوری چون عدالت، آزادی، استقلال، امنیت، منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی بر محور این دالّ مرکزی مفصل‌بندی شده است (پروانه، ۱۳۹۴).

در این دوره نیاز به بازسازی سبب شد که طبقات بالای جامعه مورد توجه حکومت قرار گیرند. رئیس دولت وقت خود در این زمینه می‌گوید: «نقدینگی مردم خیلی زیاد است؛ عده‌ای از مردم پولدار هستند و مکنت دارند. این‌ها باید در بازسازی نقش داشته باشند» (روزنامهٔ کیهان، ۱۳۶۸، ۱۰ مرداد). تمام سعی دولت معطوف به رونق‌دادن به چرخ تولید کالا در کشور و هدایت اقتصاد در مسیر رشد و توسعه شود. با توجه به نامکفی‌بودن عواید نفت برای بازسازی اقتصاد کشور، دولت به منابع مکملی چون جلب سرمایهٔ داخلی و استقراض خارجی متوسل شد. این ضرورت سبب گردید که دولت سرمایه و سرمایه‌داران را در کانون توجه قرار دهد و آن‌ها را برای بازسازی کشور فرابخواند (حاجی‌ناصری و همکاران، ۱۴۰۱). در مقابل، سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی با چالش‌های عمده‌ای مواجه بود. سیاست‌های اقتصادی هاشمی که بر پایهٔ تعدیل ساختاری قرار داشت، بر دو محور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دریافت وام استوار بود؛ اما دولت موفق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی نشد و به دلیل چالش‌های سیاسی با نظام بین‌الملل، دریافت وام‌ها نیز محدود بود (پیرانی و همکاران، ۱۳۹۹).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

دولت یادشده به دلیل عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه‌گرایانه، مجبور شد به سیاست‌های انقباضی روی آورد. وقوع تورم افسارگسیخته، کاهش ارزش پول ملی، ایجاد رانت‌های جدید برای برخی افراد ذی‌نفوذ، افزایش فاصلهٔ طبقاتی و بسیاری از معضلات اقتصادی و اجتماعی، از نتایج سیاست توسعهٔ اقتصادی دولت هاشمی بود (پیرانی و همکاران، ۱۳۹۹).

دولت هاشمی رفسنجانی از همان ابتدا برنامهٔ توسعه‌ای خود را بر اساس اولویت سازندگی کشور به‌مثابهٔ تأمین آبادانی ایران و عزت اسلامی اعلام و اعمال کرد. ازاین‌رو، همهٔ ابعاد دیگر توسعه -ازجمله سیاسی، اجتماعی و فرهنگی- و ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و ملی بر مدار توسعهٔ اقتصادی تعریف و جایابی و هماهنگ شد. در گفتمان دولت سازندگی، تعدیل و توسعهٔ اقتصادمحور، دالّ مرکزی را تشکیل داد و سایر دال‌ها بر محور آن تثبیت شده و معنایی جدید یافتند (پروانه، ۱۳۹۴). دولت سازندگی ضمن اذعان به آرمان‌های اصیل انقلاب ازجمله عدالت، راه نیل به آن را در توسعهٔ اقتصادی می‌دانست. این دولت در تعریفی متفاوت از عدالت، آن را به معنای ارتقای توان اقتصادی همهٔ اقشار جامعه تفسیر می‌کرد که با افزایش حجم سرمایهٔ جامعه تحقق می‌یابد. در این باور، فقر ستون بی‌عدالتی در کشور است و با توسعهٔ اقتصادی و ریشه‌کنی فقر، درنهایت مسیر توسعه، عدالت اجتماعی محقق می‌شود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴، ۱۲ اسفند). البته، اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است بخشی از جامعه ازجمله اقشار پایین‌تر آسیب‌هایی ببینند، ولی با تحمل مسیر ناگزیر توسعهٔ اقتصادی، عاقبت آن که رفاه عمومی و درنتیجه عدالت اجتماعی است، خوش‌فرجام است (پروانه، ۱۳۹۴).

چالش بسیاری از دولت‌ها ازجمله دولت‌های ایران، نحوهٔ سازمان‌دهی یک رابطهٔ مؤثر و کارآمد با نهادهای مدنی برای امکان بیشترین استفاده از منابع موجود در جهت محدودکردن زمینه‌های فقر و بازتولید آن است. از منظر پیتر اوانز،[1] دولتی روبه‌توسعه است و بر مشکلات فقر پیروز خواهد شد که واجد دو ویژگی باشد: یکی از آن‌ها ارتباط سازنده و آمیختگی غیرمقابله‌ای با جامعهٔ مدنی و دیگری، برخورداری از دیوان‌سالاری وبری[2] است (شورچی، ۱۳۹۵). ازاین‌رو، دولت برخوردار از دیوان‌سالاری وبری که در ارتباط متقابل و همکاری با جامعهٔ مدنی باشد، می‌تواند اهداف توسعه را محقق کند.

1. Peter Evans
2. Weber

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

حال با توجه به دیدگاه پیتر اوانز دربارهٔ ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌خواه و نوع تعاملات این نوع دولت‌ها با جامعهٔ مدنی، پرسش این است که آیا دولت هاشمی رفسنجانی دولتی توسعه‌گرا و برخوردار از دیوان‌سالاری وبری و در پیوندی تنگاتنگ با جامعهٔ مدنی بوده است؟ پاسخ این سؤال، می‌تواند میزان کاهش و یا گسترش فقر در این دوره را نشان دهد؛ بدین‌ترتیب که اتکای دولت به هر دو ویژگی دولت‌های توسعه‌گرا، بیانگر توسعه‌گرایی کامل دولت است و ازآنجاکه روی دیگر توسعه، کاهش فقر است؛ این امر می‌تواند موجبات کاهش فقر در جامعه را فراهم سازد.

بعد از انقلاب اسلامی، برنامه‌های کلان اقتصادی در فضایی غیرعلمی، غیرمنسجم و فاقد اهداف بلندمدت تعریف شده است. همچنین سیاست و برنامه‌ها از دولتی به دولت دیگر تغییر کرده یا متوقف شده و متناسب با دیدگاه‌های فردی و سازمانی آن دوره تعریف شده است (نعمتی‌میری و همکاران، ۱۴۰۰). از طرفی، پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید بر هدف عدالت و رفع فقر که به‌نوعی روی دیگر سکهٔ توسعه‌یافتگی است، دولت‌ها را بر آن داشت تا در راستای حرکت کشور به سمت توسعه‌یافتگی گام بردارند. در این میان، دولت‌های پنجم و ششم با اجرای سیاست‌هایی داعیه‌دار این امر شدند. با توجه به ریل‌گذاری برخی سیاست‌ها در این دولت‌ها و تحقق‌نیافتن هدف رفع فقر پس از گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب، این موضوع محققان را بر آن داشت تا ادعای دولت‌های یادشده را در زمینهٔ حرکت کشور به سمت توسعه بررسی کنند.

بدین‌منظور الگویی برای توسعه‌گرایی دولت بر پایهٔ بُعد میزان دیوان‌سالاری وبری دولت و ارتباط دولت با جامعهٔ مدنی ایجاد شد. مسئلهٔ اصلی تحقیق حاضر پاسخ به این سؤال است که الگوی توسعه‌گرای دولت‌های پنجم و ششم جمهوری اسلامی با تأکید بر فقرزدایی چه بوده است؟

۲. پیشینهٔ تجربی

نقش دولت‌ها در دستیابی به توسعه و به‌کارگیری مشارکت ذی‌نفعان در فرایند توسعه‌یافتگی، بر اساس اهداف توسعهٔ هزاره و همچنین سایر اسناد بین‌المللی و داخلی، نقشی بی‌بدیل است. طبق نظر پیتر اوانز، دولت‌ها باید دارای دو ویژگی اتکای بر دیوان‌سالاری و برقراری رابطهٔ سازنده و همکاری با جامعهٔ مدنی باشند تا در مسیر توسعه قرار گیرند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

در بین تحقیقات داخلی، حاجی‌ناصری و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود به تحلیل گفتمان رابطهٔ دولت و طبقات اجتماعی در دولت سازندگی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج، ضرورت بازسازی کشور در گفتمان دولت سازندگی سبب شد مطالبات و انتظارات طبقات بالای جامعه مورد توجه واقع شود و مطالبات و انتظارات طبقات متوسط و پایین موقتاً در کانون توجه قرار نگیرد.

همچنین بر اساس نتایج تحقیق اسدی و همکاران (۱۴۰۰)، در گفتمان رفاهی دولت سازندگی برای بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ، وضعیت نامناسب اقتصادی و بی‌نظمی‌های ناشی از عدم برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه‌ای، سیاست تعدیل ساختاری اتخاذ گردید. به‌این‌ترتیب، دالّ مرکزی گفتمان رفاه دوران جنگ (مستضعف‌محوری) ساختارشکنی شد؛ اما سیاست تعدیل ساختاری با خود فقر و پیامدهای منفی به بار آورد و ازاین‌رو، «جبران کاستی‌های ناشی از توسعهٔ اقتصادی برای آحاد جامعه» دالّ مرکزی گفتمان رفاه دوره سازندگی گردید.

بر اساس نتایج تحقیق نعمتی و همکاران (۱۴۰۰)، در دولت هاشمی، به دلیل عدم شناخت درست ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور در پیشبرد برنامهٔ تعدیل اقتصادی، آنچه انتظار می‌رفت رُخ نداد و تفکرات لیبرالی تکنوکرات‌ها خسارت زیادی بر جامعهٔ فقیر و متوسط تحمیل کرد. یافته‌ها نشان داد درنتیجهٔ پیامدهای منفی این سیاست‌ها، تورم، نابرابری در توزیع ثروت و درآمد و فشار اقتصادی بر اقشار کم‌درآمد تشدید شد.

پیرانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تطبیقی توسعه‌گرایی در دولت سازندگی و مقایسهٔ آن با روند توسعهٔ کرهٔ جنوبی پرداختند. بر اساس نتایج، وجود دولت توسعه‌گرا در کرهٔ جنوبی و فقدان چنین دولتی در ایران، عامل اصلی موفقیت کرهٔ جنوبی و ناکامی ایران در دستیابی به توسعهٔ اقتصادی بوده است. در این تحقیق، ضعف جامعهٔ مدنی یکی از مشکلات دولت سازندگی در مقایسه با دولت کرهٔ جنوبی بوده است. شیرعلی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی به بررسی سیاست‌های تعدیل ساختاری در دولت سازندگی و شاخص‌های فلاکت اقتصادی در ایران پرداخته است. بر اساس نتایج، شاخص فلاکت از دورهٔ اول تا انتهای دورهٔ سازندگی با رشد همراه بوده است که نشانگر بدترشدن اقتصاد جامعه بود؛ به‌طوری‌که نرخ فلاکت از ۱۷/۴٪ در سال ۱۳۶۸ به ۵۸/۵٪ در سال ۱۳۷۴ رسید که نشان از وجود ابرتورم و نرخ بیکاری بحرانی در کشور دارد. از دیگر پیامدهای منفی سیاست‌های تعدیل ساختاری، افزایش تورم (از ۱۷/۴٪ به ۴۹/۴٪) است که طی آن آزادسازی یک‌باره و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

قطع حمایت‌های دولتی از اقشار کم‌درآمد، عملاً به کاهش قدرت خرید مردم و فشار شدید روی قشر «حقوق ثابت» منجر شد، ارزش پول ملی کاهش یافت و نرخ برابری آن با دلار و سایر ارزهای معتبر به‌طور مستمر سقوط کرد.

نتایج پژوهش عبداللهی و بشیری موسوی (۱۳۹۴)، گویای نقش مؤثر سازمان‌های جامعهٔ مدنی در فقرزدایی است که با مشارکت قوی و فعال این سازمان‌ها، ظرفیت‌های تولیدی افراد فقیر افزایش می‌یابد، به شرکت در تصمیم‌گیری‌ها ترغیب می‌شوند و درمجموع موجبات توانمندی فقرا و خروج از گردونهٔ فقر فراهم می‌گردد. پورعزت و نجابت (۱۳۹۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که «اشتغال‌زایی» به‌منزلهٔ مناسب‌ترین و «افزایش مخارج عمرانی دولت» به‌مثابهٔ نامناسب‌ترین خط‌مشی فقرزدایی (در شرایط فعلی جامعهٔ ایران) شناخته شده‌اند. نهایتاً، نتایج پژوهش حسینی‌نژاد و اقتصادیان (۱۳۸۴) نشان داد که طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، راهبرد مشخص کاهش فقر از سوی برنامه‌ریزان دنبال نشده است. نتایج آزمون این مطالعه، معناداری کاهش فقر در سال‌های مختلف را نشان می‌دهد که مقادیر شاخص‌های فقر، طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، روند مشخصی در راستای کاهش آن نداشته است.

در بین تحقیقات خارجی، وارداناً[1] و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی که به بررسی سیاست‌های توسعهٔ مالی اندونزی پرداخته‌اند، دریافتند که توسعهٔ مالی با بازتولید فقر رابطه‌ای معکوس دارد. به‌بیان‌دیگر اگر اعتبارات پولی، مؤسسات مالی گسترده، بازار مالی پایدار و گسترده، پایهٔ پولی قدرتمند، دسترسی آسان به بازار مالی و کارایی بازار مالی در سیاست‌های مالی مورد توجه قرار نگیرد؛ نَه‌تنها فقر گسترش می‌یابد، بلکه بازتولید آن قابل‌پیش‌بینی خواهد بود. این یافته بیانگر آن است که توسعهٔ مالی از طریق رشد اقتصادی می‌تواند به شکل غیرمستقیم، از بازتولید فقر و گسترش آن جلوگیری کند. این یافته توسط ژو[2] و همکاران (۲۰۲۲) نیز مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس یافته‌های مطالعهٔ آن‌ها، سیاست‌های توسعه‌ای به‌ویژه در بخش اقتصادی با نابرابری اقتصادی و فقر مالی رابطه‌ای متقابل اما معکوس را نشان می‌دهد؛ به این صورت که افزایش نابرابری اقتصادی و فقر مالی از رشد اقتصادی فراگیر جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر اگر سیاست‌های توسعهٔ اقتصادی منجر به رشد اقتصادی نشود، فقر و بازتولید آن امری حتمی خواهد بود.

1. Wardana
2. Zhu

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

ابوبکر[1] (۲۰۲۲) در بررسی علل فقر در کشور نیجریه به‌عنوان پایتخت فقر جهان، نتیجه گرفت که برای مقابله با گسترش فقر و تشدید آن، در سیاست‌های توسعه‌ای باید عواملی همچون تأمین منابع انرژی پایدار، تحصیلات، تأمین مسکن و زمین برای فعالیت‌های مسکونی و اقتصادی، آب آشامیدنی و امکانات بهداشتی مورد توجه قرار گیرد. موکیلا[2] و همکاران (۲۰۲۲) در بررسی افزایش فقر در میان زنان روستایی نیجریه و ارتباط آن با توسعهٔ روستایی، به این نتیجه رسیدند که توجه به افزایش و بهبود سطح تحصیلات، افزایش دسترسی به تسهیلات اعتباری، دسترسی به خدمات و اقدامات کنترل موالید و بهبود وضعیت کشاورزی از طریق خدمات تکنولوژی و خدمات وابسته، می‌تواند از گسترش فقر در میان زنان روستایی جلوگیری کند. یافته‌های پژوهش توربک و اویانگ[3] (۲۰۲۲) بیانگر آن است که سیاست‌های توسعه‌ای در صورتی منجر به کاهش و جلوگیری از بازتولید فقر می‌شود که با مداخلات مستقیم فقر را هدف قرار دهند و از این طریق به رشد توسعه‌ای مناسب کمک کنند.

ژانگ[4] و همکاران (۲۰۲۲) معتقد بودند سرمایهٔ انسانی رابطهٔ مثبتی با نابرابری درآمدی دارد که نشانگر نابرابری فرصت‌های اقتصادی و نابرابری آموزش است. سیاست‌های توسعه‌ای و جلوگیری از گسترش فقر در زمینهٔ آموزشی باید در راستای عدالت آموزشی و کاهش نابرابری در مدارس برنامه‌ریزی گردد. کیم و هونگ[5] (۲۰۲۲) در مطالعهٔ سیر تحولی روابط دولت کرهٔ جنوبی با جامعهٔ مدنی این کشور، مشخص کردند که این رابطه از ماهیت مکمل-تقابلی از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ به مکمل، مقابله و همکاری در سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ و پس از سال ۲۰۱۷ به همکاری متقابل تغییر ماهیت داده است. این تغییرات نشان می‌دهد رشد جامعهٔ مدنی به توسعهٔ پایدار منجر شده است. در این فرایند، سازمان‌های مدنی غیردولتی دامنهٔ فعالیت‌های خود را از نقش محدود ارائهٔ خدمات به وضعیت فعالیت در عرصهٔ سیاسی و اعمال‌نفوذ در ساختار دولت‌ها گسترش داده‌اند. بر این اساس، برقراری ارتباط سازنده و غیرمقابله‌ای دولت با جامعهٔ مدنی به دستیابی دولت‌ها به اهداف توسعه کمک شایانی خواهد کرد.

1. Abubakar
2. Mukaila
3. Thorbecke, E., & Ouyang
4. Zhang
5. Kim & Hong

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

بررسی پیشینهٔ پژوهش‌ها نشان داد که در تحقیقات گذشته الگویی بومی برای توسعه‌گرایی دولت ارائه نشده و تنها به بررسی شاخص‌های منفرد اکتفا شده است. ازاین‌رو، در این تحقیق به‌منظور پُرکردن خلأ تحقیقاتی موجود نسبت به بررسی الگوی توسعه‌گرایی دولت بر پایهٔ مدل اوانز اقدام شد. همچنین، در تحقیقات گذشته به تأثیر الگوی توسعه‌گرایی دولت چگونه بر وضعیت شاخص‌های فقرزدایی کمتر توجه شده که این مورد در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو در راستای پُرکردن خلأ تحقیقاتی موجود، تلاش شد نسبت الگوی توسعه‌گرایی دولت و سیاست‌های توسعه‌ای در دولت‌های پنجم و ششم پس از انقلاب به‌عنوان دولت‌های مدعی توسعه و سازندگی و نقش آن در بازتولید فقر بررسی شود که نتایج می‌تواند چراغ راه اندیشه‌ورزان و محققان توسعه باشد.

۳. چهارچوب مفهومی

در مدل‌های توسعهٔ قبل از دههٔ ۱۹۷۰، هدف توسعه عمدتاً افزایش رشد اقتصادی و فناوری و ترغیب افراد به کار و فعالیت بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی آنان بود. مایکل تودارو[1] حتی دههٔ ۱۹۷۰ را نیز با غلبهٔ رویکردهای اساساً اقتصادی همراه می‌بیند. وی می‌نویسد، درمجموع توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تقریباً همیشه به‌عنوان یک پدیدهٔ اقتصادی ملاحظه شده است؛ با فرض اینکه پیشرفت سریع در رشد تولید ناخالص ملی کل و سرانه، به‌تدریج به شکل مشاغل و سایر امکانات اقتصادی عاید توده‌ها خواهد شد. در خلال دههٔ ۱۹۷۰، توسعهٔ اقتصادی برحسب کاهش یا ازبین‌بُردن فقر، نابرابری و بیکاری در چهارچوب یک اقتصاد درحال‌رشد، تعریف و توزیع مجدد رشد شعار عمومی شد.

معیارهای توسعه نیز شاخص‌های کلان مانند تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، سطح فقر و امثال این‌ها بود. در این دوره مفهوم توسعه با پرداختن به مباحثی دربارهٔ ریشه‌کن‌کردن فقر، تأمین کار، ازبین‌بردن بی‌سوادی و نابرابری مبتنی بر جنسیت، مذهب و نژاد به شاخص‌های تازه‌ای دست یافت. توسعه از یک‌سو به رشد اقتصادی یا رشد کمّی و از سوی دیگر به ارتقای سطح کیفیت زندگی عامهٔ مردم یا توسعهٔ انسانی نظر دارد. در این وضعیت، پیشرفت اقتصادی با پیشرفت اجتماعی پیوند خورد (عنبری، ۱۳۹۰: ۱۵). به تعبیر دادلی سیرز،[2] توسعه با معیار اقتصادی به معنای کاهش فقر، بیکاری و نابرابری به کار گرفته شد (همان: ۱۴).

1. Michael Todaro
2. Dudley Seers

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]
[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

در ابعاد کلان، بر نقش دولت‌ها در راهبری توسعه و کاهش فقر تأکید فراوانی شده است. الکساندر گرشنکرون[1] در مطالعات خود در باب صنعتی‌شدن اروپای قرن نوزدهم، بر نقش بانک‌ها و دولت تأکید و استدلال می‌کند که هرقدر عقب‌ماندگی نسبی اقتصاد یک کشور بیشتر باشد، تلاش برای توسعه متمرکزتر است. در اولین انقلاب صنعتی، عوامل صنعتی‌شدن از کارفرماهای خصوصی در انگلستان به بانک‌های سرمایه‌گذاری در آلمان و سپس در روسیه تزاری به دولت انتقال یافتند. تحلیل گرشنکرون با مطالعهٔ مفصلی که دیترسنگاس[2] در باب تجربهٔ قارهٔ اروپا انجام داد، کامل‌تر شد. او نشان داد همهٔ کشورهای اروپایی در پس نوعی از موانع حمایتی توسعه یافتند. درواقع، کشورهای اروپایی تنها به تعرفهٔ حمایتی اکتفا نکردند و به‌عمد و آگاهانه خود را از اقتصاد بین‌المللی جدا کردند. اقتصاد داخلی طی یک دورهٔ «جدایی» و انزوا بازسازی شد.

وارلیک آرمسترانگ[3] هنگام خلاصه‌کردن یافته‌های بررسی خود دربارهٔ آلمان، ژاپن، سوئد و آمریکا به نتیجه‌ای گریزناپذیر رسید. اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی ملی صنعتی‌شدن در این چهار کشور به توانایی دولت حاکم در همکاری با یک طبقهٔ صنعتی مقتدر به‌منظور کنترل و ارتقای شرایط رشد وابسته بود. حمایت اساسی از جانب بانک‌های سرمایه‌گذاری، نظام آموزش فنی هدفمند، نظارت بر نیروی کار، سیاست‌های حمایتی گزینش و پذیرش و انطباق تکنولوژی جدید برای ابداعات داخلی بیشتر، همگی بخشی از برنامه‌ای بزرگ‌تر یعنی نیل به توسعهٔ صنعتی ملی بود. اگر این راهی است که توسعه در گذشته از طریق آن حاصل گردیده، بهتر است کشورهای جهان سوم به این فکر باشند که آیا رویکرد مشابهی در آینده موفقیت‌آمیز نخواهد بود؟ (گریفین،[4] ۱۳۹۴: ۱۵۵).

بر اساس اهداف توسعهٔ هزاره و همچنین سایر اسناد بین‌المللی و داخلی، دولت‌ها اولین عامل در جهت کاهش افراد زیرخط فقر در کشور خود محسوب می‌شوند. گزارش توسعهٔ جهان سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ و مطالعهٔ «صدای فقرا» ثابت کرد که در بین جنبه‌های بسیار متفاوت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، عناصر مشترکی که به طرد فقرا منجر می‌شود، بی‌صدایی است که مانع می‌شود صدای آنان به گوش برسد.

1. Alexander Gerschenkron
2. Dietersengas
3. Vic Armstrong
4. Griffin

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

در مواجهه با روابط نابرابر قدرت، فقرا قادر به تأثیرگذاری یا مذاکره با صنف بازرگانان، وام‌دهندگان، دولت‌ها و جامعهٔ مدنی نیستند. این مسئله به‌شدت بر توانایی آنان برای انباشت دارایی‌ها و خروج از گردونهٔ فقر تأثیر می‌گذارد. با توجه به وابستگی فقرا به دیگران به‌منظور بقا، برای مردان و زنان فقیر غیرممکن است که بتوانند از شأن و منزلت، احترام و هویت فرهنگی خود دفاع کنند (پوراصغرسنگاچین، ۱۳۹۴). از این منظر، رویکرد دولت‌ها در رساکردن صدای فقرا و نحوهٔ به‌کارگیری مشارکت و همکاری ذی‌نفعان ازجمله خود فقرا و جامعهٔ مدنی از اهمیت بسزایی برخوردار است (برنامهٔ مبارزه با فقر، ۱۳۷۲: ۲۵).

برحسب دخالت دولت‌ها در اقتصاد و جامعه، سه نوع دولت وجود دارد: دولت‌های توسعه‌گرا، دولت‌های یغماگر و دولت‌های میانه (ازکیا، ۱۳۹۴: ۱۲۳). چگونه می‌توان ویژگی انواع ساختارهای دولت و روابط دولت-جامعه را توصیف کرد؟ بر اساس دو گونهٔ آرمانی که زمینهٔ تاریخی نیز دارند؛ دولت‌های یغماگر و توسعه‌گرا. دولت‌های یغماگر از جامعه مایه می‌گذارند و حتی در مفهوم مشخص انباشت سرمایه نیز اهمیت لازم را به توسعه نمی‌دهند؛ اما دولت‌های توسعه‌گرا نَه‌تنها تحول صنعتی را سرپرستی می‌کنند، بلکه به‌درستی می‌توان گفت که در ایجاد تحول نیز نقش ایفا می‌کنند. ربط‌دادن نتایج مختلف به انواع گوناگون دولت، آغاز کار است و اگر از دو گونهٔ آرمانی مذکور فقط برای اطلاق برچسب‌های مناسب بر دستاوردهای مختلف استفاده کنیم، چندان پیشرفتی نخواهیم داشت. رمز کار در این است که بین اثرات توسعه و ویژگی‌های ساختاری دولت (بین سازمان درونی آن‌ها و رابطه‌شان با جامعه) پیوند برقرار کنیم.

دولت‌های یغماگر و توسعه‌گرا ازلحاظ ساختار تفاوت‌های مشهودی دارند (اوانز، ۱۳۸۰: ۴۵). دولت‌های توسعه‌گرا می‌توانند به برطرف‌کردن دشواری‌های اقدام جمعی کمک کنند و به سرمایه‌گذاری بنیادی در زمینهٔ آموزش‌وپرورش و زیرساخت‌ها بپردازند. نخبگانی که زمام این‌گونه دولت‌ها را در دست دارند، در برابر بهره‌گیری از افزوده‌های جامعه در راستای منافع شخصی خود مصون نیستند (همان: ۲۳). در مقابل، دولت یغماگر نمی‌تواند یکایک مقامات مسئول را از رفتن به دنبال اهداف شخصی خودشان بازدارد. روابط شخصی، تنها منبع همبستگی است و به‌حداکثررساندن منافع فردی بر پیگیری اهداف جمعی اولویت دارد. کمبود دیوان‌سالاری به‌گونه‌ای که «وبر» تعریف می‌کند، ویژگی دولت‌های یغماگر است (همان: ۴۵). بر اساس تجربیات مجموعه‌ای از دولت‌ها (بریتانیا، آمریکا، آلمان، فرانسه، سوئد، بلژیک، هلند، سوئیس، ژاپن، کره و تایوان)، ملاحظه می‌شود که آن‌ها چه نوع سیاست‌های صنعتی، تجاری و فناوری را هنگامی‌که درحال‌توسعه بودند، به کار گرفته‌اند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

سیاست‌های استفاده‌شده در بیشتر این کشورها، تقریباً خلاف آن سیاست‌هایی است که دیدگاه رایج بیان می‌کند و در حال حاضر استفاده از آن‌ها به کشورهای درحال‌توسعه توصیه می‌شود (چانگ، ۱۳۸۸: ۳۱). درواقع، بررسی اقدامات و سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده از سوی کشورهای توسعه‌یافته بیانگر آن است که در تمامی این کشورها، دولت‌ها برخلاف آنچه از سوی آن‌ها به کشورهای درحال‌توسعه پیشنهاد می‌شود، عمل کرده‌اند. این کشورها به جهانِ درحال‌توسعه توصیه «بگذار بشود» و «یکه‌تازی اقتصاد آزاد» را ارائه می‌کنند؛ درحالی‌که در کشورهای خود هنگام طی‌کردن مراحل توسعه، سیاست‌های حمایتی و پرورشی بی‌نظیری از صنایع به‌ویژه صنایع نوپای خود اتخاذ کرده‌اند. حتی در انگلستان به‌عنوان خاستگاه صدور نظریهٔ اقتصاد آزاد آدام اسمیت، آزادسازی اقتصادی امری به‌شدت مهارشده و زیر نظارت دولت بود. تجربهٔ این کشورها حاکی از آن است که در تمامی مراحل توسعه، دولت با حمایتگری خود در پرورش صنایع از طرق متعدد نظیر وضع موانع تعرفه‌ای، وضع مالیات بر واردات، رفع یا کاهش موانع تولید از طریق قانون‌گذاری، تحقیق و توسعه نقشی بی‌بدیل در توسعه ایفا کرده است.

تجربهٔ کشورهای توسعه‌یافته نشان داده است هرچه نقش حمایتی و پرورشی دولت توسعه‌گرا برجسته‌تر باشد، صنعت مبتنی بر فناوری پیشرفته رشد سریع‌تری خواهد داشت. همچنین دولت نَه از طریق دراختیارگرفتن شرکت‌های بهره‌ور و مولّد، بلکه با وضع مقررات و نظارت بر بازارها و حمایت و پشتیبانی از شرکت‌های تحت مالکیت ملی، نقش عمده‌ای در بخش خدمات ایفا می‌کند (همان: ۳۰۱). حال سؤال این است که دولت‌ها نقش حمایتگری و پرورشی خود را در کدام بستر به منصهٔ ظهور می‌رسانند؟ به‌عبارت‌دیگر، بستر و شرایط لازم برای ایفای نقش حمایتگری دولت چیست؟

با توجه به مطالعات پیتر اوانز، سازمان درونی دولت‌های توسعه‌گرا به دیوان‌سالاری «وبری» نزدیک‌تر است. شایسته‌سالاری قوی و پاداش‌های شغلی درازمدت، باعث ایجاد مسئولیت و حس همبستگی سازمانی می‌شود. همبستگی سازمانی سبب می‌شود تا چنین دستگاه‌هایی دارای نوع خاصی از «خودگردانی» باشند. چنین دولت‌هایی درون مناسبات اجتماعی نیرومندی قرار می‌گیرند که آن‌ها را به جامعه پیوند می‌زند و بحران‌های نهادینه‌شده را به مذاکرات مستمر و مجدد دربارهٔ اهداف و خط‌مشی‌ها تبدیل می‌کند (اوانز، ۱۳۸۰: ۴۶). منافع دیوان‌سالاران مدنظر «وبر» با اجرای وظایف خود و کمک به تحقق اهداف کل دستگاه تحقق می‌یابد. استفاده از امتیاز اشتغال دیوانی برای رسیدن به منافع خصوصی، ویژگی بارز پدیده‌های ماقبل دیوان‌سالاری است. کنارزدن منطق فردگرایی، نقطه قوت نظام نوین

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

دیوان‌سالاری است. از دیدگاه «وبر»، قابلیت دولت در حمایت از بازار و انباشت سرمایه به این امر بستگی دارد که دیوان‌سالاری دارای موجودیتی یکپارچه و شراکتی باشد؛ به‌طوری‌که ازنظر افراد درون آن راه بیشینه‌سازی منافع فردی، محقق‌شدن اهداف اشتراکی باشد (اوانز، ۱۳۸۰: ۷۴). یکپارچگی گروهی به دولت‌ها امکان می‌دهد که در برابر سلطه‌جویی دست نامرئی بیشینه‌سازی فردی مقاومت کنند. استخدام شایسته‌سالارانه و به‌شدت گزینشی و همچنین پاداش‌های کاری درازمدت سبب می‌شود که گونه‌ای مسئولیت‌شناسی و احساس یکپارچگی شرکتی پدید آید (همان: ۱۱۴).

دولت توسعه‌گرا دولتی است که توسعه را القا می‌کند و می‌تواند تفاوت‌های اجرایی توسعه را به تباین‌های دیرین ساختاری نسبت دهد (همان: ۷۴). تباین شدید بین ویژگی «وبری» دولت توسعه‌گرا و ویژگی پیش‌دیوان‌سالاری و ارثی دولت یغماگر، این حکم را تقویت می‌کند که منشأ ناکارآمدی همانا کمبود دیوان‌سالاری است، نَه زیادی آن. در گزارش بانک جهانی به نام معجزهٔ آسیای شرقی (۱۳۷۹: ۷۷) به این نکته اشاره شده است که تقلای دولت توسعه‌گرا برای جلب همکاری کسب‌وکارهای بزرگ «بدون دستگاه اداری کارآمد و خوش‌نام» ناکام خواهد ماند (همان: ۱۱۴). فقط دولتی را می‌توان توسعه‌گرا نامید که خودگردانی و اتکا به اجتماع را در کنار هم داشته باشد. این آمیزهٔ به‌ظاهر متعارض از همبستگی سازمانی و اتکا به اجتماعی که می‌توان آن را «خودگردانی متکی به جامعه» نامید، پایهٔ اصلی و ساختاری لازم برای دخالت موفقیت‌آمیز دولت در تحول صنعتی را فراهم می‌کند (همان: ۴۶).

«خودگردانی متکی به جامعه» که دقیقاً تصویر واژگون استبداد نایکپارچهٔ دولت یغماگر است، کلید کارایی دولت‌های توسعه‌گر به شمار می‌رود. «خودگردانی متکی به جامعه» آمیزه‌ای است از جدایی دیوان‌سالاری از جامعه که مدنظر «وبر» است و پیوند استوار با ساختار اجتماعی اطراف (همان: ۱۰۳). هر یک از دو طرف این آمیزه به‌تنهایی کارساز نیست. دولتی که فقط خودگردان است، فاقد منابع آگاهی است و نمی‌تواند بر اجرای خصوصی و نامتمرکز توسعه متکی باشد. از طرف دیگر اگر شبکه‌های ارتباط متراکم باشد و ساختار درونی قوی وجود نداشته باشد، دولت نمی‌تواند مسائل مربوط به «اقدام جمعی» را حل کند و از منافع فردی همتایان خصوصی‌اش فراتر رود (همان: ۱۱۴). فوکویاما[1] نیز در کتاب نظم و زوال سیاسی خود، اولین و مهم‌ترین نهاد ضروری برای توسعهٔ کشورها را دستگاه اداری لایق می‌داند (اندروز[2] و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴).

1. Fukuyama
2. Andrews

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

عمدهٔ نظریه‌ها بیانگر آن هستند که افزایش سطح تحصیلات، بهبود خدمات مالی و اعتباری، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، آموزشی و مالی، افزایش رشد اقتصادی، گسترش بازارهای مالی، توجه به بخش کشاورزی، توانمندسازی تمامی اعضای جامعه فارغ از هرگونه نگاه جنسیتی و به بیانی بهتر توجه به تمامی ابعاد توسعه در قالب توسعهٔ همه‌جانبه و پایدار، می‌تواند از بازتولید فقر جلوگیری کند.

٤. روش‌شناسی تحقیق

این مطالعه ازنظر روش توصیفی-تحلیلی است و به لحاظ ماهیت در دستهٔ پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد که به روش ترکیبی در دو گام، شامل تحلیل محتوای کیفی و تحلیل محتوای کمّی انجام گرفته است.

٤-١. تحلیل محتوای کیفی

در گام نخست، از تکنیک مصاحبهٔ عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ نفر از خبرگان به‌منظور گردآوری داده‌ها و تکنیک تحلیل مضمون (تماتیک) برای طراحی مدل استفاده شد. به‌منظور طراحی مدل دولت توسعه‌گرا، مشارکت‌کنندگان با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس دانش و تخصص مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب شدند و با هریک از افراد بر اساس پروتکل تعریف‌شده مصاحبه انجام گرفت.

ملاک انتخاب خبرگان دانشگاهی مواردی از قبیل مدرک دانشگاهی حداقل دکتری در رشته‌های مرتبط و داشتن مقاله و کتاب در مورد موضوع تحقیق بود. شرایط انتخاب خبرگان اجرایی نیز داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد، دارابودن حداقل ۱۰ سال سابقهٔ کاری در رده‌های مدیریتی در بخش دولتی و آشنایی کامل با مباحث علمی دولت توسعه‌گرا و فقرزدایی در نظر گرفته شد. در ترکیب خبرگان، ۹ نفر دانشگاهی و ۸ نفر اجرایی بودند. در بین خبرگان، ۳ نفر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱۴ نفر مدرک دکتری داشتند. ضمناً، سابقهٔ کاری ۵ نفر از آن‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۹ نفر ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳ نفر بیش از ۳۰ سال بود.

مراحل تکنیک تحلیل مضمون بر اساس دیدگاه براون و کلارک[1] (۲۰۰۶) در ادامه ارائه شده است.

1. Braun, V. & Clarke

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

۱. آشنایی با داده‌ها: در این مرحله متن مصاحبه‌ها با خبرگان بررسی و داده‌های حاصل‌شده از آن استخراج شد.

۲. ایجاد کدهای اولیه: در این مرحله، کدهای اولیه شناسایی و تعیین شدند. کد ویژگی مربوط به داده‌ها را معرفی می‌کند که از دیدگاه فرد محقق جالب به نظر می‌رسد. البته داده‌های کدگذاری‌شده از واحدهای تحلیل (مضامین/تم‌ها) متفاوت هستند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

۳. جستجوی مضامین (تم‌ها): در این مرحله کدهای شناسایی‌شده در قالب مضامین دسته‌بندی شدند؛ یعنی کدهای دارای اشتراک ازنظر مفهومی شناسایی و پس از ادغام آن‌ها نسبت به ایجاد مضامین پایه اقدام گردید. در ادامه ضمن ترکیب مضامین پایه‌ای که ازنظر مفهومی اشتراک داشتند، مضامین سازمان‌دهنده شناسایی شدند.

۴. بازبینی مضامین: این مرحله دربرگیرندهٔ دو اقدام شامل بازبینی و تصفیهٔ مضامین است. اقدام اول مربوط به بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری‌شده است. در اقدام دوم اعتبار مضامین در ارتباط با مجموعهٔ داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این مرحله اگر شبکهٔ مضامین به شکل مطلوبی ایجاد شده باشد، می‌توان به مرحله بعدی رفت؛ اما اگر شبکهٔ مضامین با مجموعهٔ داده‌ها هم‌راستا باشد، فرایند کدگذاری تا زمانی که یک شبکهٔ مناسب و قابل‌قبول ایجاد شود، ادامه می‌یابد.

۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین: در مرحلهٔ پایانی، مضامین پایه و سازمان‌دهنده با توجه به ماهیت و محتوای دسته‌ها نام‌گذاری شدند. تلاش شد نام‌گذاری به‌گونه‌ای باشد که حداکثر هم‌راستایی و تطابق بین کدهای هر دسته و نام تعیین‌شده برای آن‌ها وجود داشته باشد.

بعد از نهایی‌شدن مراحل تحلیل مضمون، روایی و پایایی مضامین بررسی شد. مریام[1] (۲۰۰۹) روایی را چگونگی انطباق یافته‌های تحقیق بر واقعیات تعریف کرد. در این پژوهش با توجه به دیدگاه مریام (۲۰۰۹)، برای بررسی روایی از دو روش کثرت‌گرایی/زاویه‌بندی[2] و بررسی توسط اعضا[3] استفاده شد. در روش مثلث‌بندی از چند منبع داده یا چند روش برای تأیید داده‌های پدیدارشده استفاده می‌گردد. همچنین در روش بررسی توسط اعضا، از مشارکت‌کنندگان درخواست شد به سؤال میزان موردقبول بودن یافته‌ها پاسخ دهند. بدین منظور، از ۳ نفر از خبرگان مشارکت‌کننده در تحقیق در مورد قابل‌قبول‌بودن یافته‌ها نظرخواهی شد که با انجام اصلاحاتی یافته‌ها به تأیید آن‌ها رسید.

1. Merriam
2. triangulation
3. Member checks

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

همچنین، معیار اعتماد یا پایایی به پایداربودن داده‌ها در طول زمان و شرایط متفاوت اطلاق می‌گردد. پایایی مصاحبه‌ها به‌شدت تحت تأثیر فرایند کدگذاری است و وجود درصد بالای توافق یا عدم توافق، سطح پایایی مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. در این پژوهش به‌منظور بررسی پایایی، از ضریب توافق درصدی[1] یا سنجش رابطهٔ خام[2] که همخوانی بسیاری با روش سنجش پایایی بازآزمایی یا آزمون-آزمون مجدد[3] (در پژوهش‌های کمّی) دارد، استفاده گردید.

۲-٤. تحلیل محتوای کمی

در گام دوم پژوهش و برای تحلیل محتوای کمّی، متن منتشرشده در رسانه‌های خبری و روزنامهٔ اطلاعات به‌عنوان نشریهٔ برگزیدهٔ این دولت‌ها انتخاب شد. این گام در دو مرحله انجام شد؛ ابتدا، مؤلفه‌های استخراج‌شده برای دولت توسعه‌گرا در متن روزنامهٔ اطلاعات طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ (دورهٔ هشت‌ساله دولت‌ها) استخراج گردید. در ادامه میزان فقر، روند نرخ تورم، تعداد فقرا، قدرت خرید و امثال آن در بازهٔ زمانی موردنظر و یک سال پس‌ازآن از مراجع ذی‌ربط اخذ و مورد بررسی قرار گرفت.

۵. یافته‌ها

۵-۱. یافته‌های تحلیل محتوای کیفی

در این تحقیق، در مرحله کیفی برای طراحی الگوی توسعه‌گرایی دولت از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و تکنیک تحلیل مضمون استفاده شد. بدین منظور، مدل اوانز که شامل دو بُعدِ تأکید بر نقش مردم در دولت و دولت متکی بر دیوانسالاری وبری است، به‌عنوان مدل پایه مورد استفاده قرار گرفت و تلاش شد با نظرخواهی از خبرگان، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با هر بُعد شناسایی شود. فرآیند مصاحبه با خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. همچنین، تعداد خبرگان مشارکت‌کننده ۱۷ نفر بود. خبرگان بر اساس سؤالات مطرح‌شده در مصاحبه‌ها نظرات خود را مطرح کردند که محققان پس از

1. Raw Percent Agreement
2. Crude Association
3. Test-retest method

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

استخراج محتوای آن‌ها، بر اساس گام‌های مطرح‌شده برای تحلیل مضمون توسط براون و کلارک (۲۰۰۶) به تحلیل داده‌ها پرداختند. آن‌ها در ابتدا با بررسی محتوای مصاحبه‌ها، نکاتی از مصاحبه‌ها را که به موضوع خاصی اشاره داشتند را شناسایی کردند. سپس، برای هر نکته‌ای که توسط خبرگان مطرح شده و به یک موضوع خاص اشاره داشت، یک کد در نظر گرفته شد. این مرحله تا جایی که دیگر هیچ نکته یا دیدگاهی از قلم نیفتاده باشد و همهٔ کدها استخراج شده باشند، ادامه پیدا کرد.

برای اطمینان از استخراج تمام کدها، یک فرآیند رفت‌وبرگشتی نیز انجام شد. البته، برای حصول اطمینان از دقت در بررسی متن مصاحبه‌ها و جلوگیری از اشتباهات احتمالی، مصاحبه‌ها در فاصلهٔ زمانی ۱۵ روزه مجدداً کدگذاری شدند. علاوه بر این، پس از یادداشت‌برداری از محتوای مصاحبه‌ها، به‌دوراز هرگونه پیش‌فرضی، تنها به بررسی دیدگاه‌ها و نظرات خبرگان پرداخته شد. در این فرآیند در صورت وجود ابهام در درک محتوای مصاحبه‌ها، با تماس مجدد با خبرگان رفع ابهام‌ها شد.

نمونه‌ای از متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج‌شده برای دولت توسعه‌گرا در جدول شمارهٔ ۱ ارائه شده است.

جدول شمارهٔ ۱: نمونه متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده در زمینهٔ توسعه‌گرایی دولت

ردیف	نمونه متن مصاحبه	کدهای اولیه
۱	در شرایطی که نظم و انضباط در کشور رو به بهبود و تکامل است. جامعه و مردم انتظار اقدامات اساسی‌تری از مسئولین اجرایی دارند که مهم‌ترین آن حذف مقررات، رسوم و عادات دست‌وپاگیر اداری و کاهش معضلات مردمی است.	مقررات‌زدایی
۲	مردم از دولت انتظار کار ممتازی ندارند و اگر سازمان‌های دولتی در حد عرف معمول کارشان را انجام دهند، جامعه اصلاح می‌شود. هیچ‌چیز بهتر از صحت کار نمی‌تواند کارها را تسریع کند.	اصلاح رویه‌ها و روش‌های اداری
۳	یکی از اهداف مهم برنامهٔ پنج‌ساله، خودکفائی در تأمین نیروها و تربیت نیروی انسانی و استفاده از تخصص‌ها و تکنیک‌ها در میدان کار است.	تأکید بر آموزش منابع انسانی
٤	هم‌اکنون در ادارات مقررات، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و روش‌هایی وجود دارد که اشکالات زیادی دارد و آن‌ها از مدت‌ها قبل ابلاغ شده که می‌باید در شرایط فعلی حذف و اصلاح می‌شُد، اما به آن‌ها عمل می‌شود درحالی‌که اصلاً نیازی به آن‌ها نیست.	قانون‌گرایی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

۵	مدیر باید در قبال عملکردی که داشته پاسخگوی مردم باشد و این فرهنگ باید بین تمام مدیران نهادینه شود. مردم ولی‌نعمت هستند و در تمام امور کسب رضایت آن‌ها باید مدنظر قرار گیرد.	پاسخگویی
٦	تأسیس یک نهاد جامع برای تمرکز خدمات ویژه و مشارکت‌دادن هرچه بیشتر مردم و افراد نیکوکار در امور کشور یک ضرورت است و می‌توان از روحیات خیرخواهانه و عواطف اسلامی و انسانی جامعه در این زمینه، به‌خوبی بهره جست.	مشارکت عامهٔ مردم در امور اجرایی کشور

پس از شناسایی کدهای اولیه، محققان مواردی را که ازنظر محتوایی باهم شباهت داشتند ادغام کردند و مضامین پایه را شکل دادند. بر اساس نتایج تحلیل مضمون، دو بُعد «تکیهٔ دولت بر دیوان‌سالاری وبری» و «تمرکز بر نقش مردم» و شش مؤلفه ویژگی‌های اصلی دولت توسعه‌گرا است. در این قسمت، نتایج نهایی روش تحلیل مضمون شناسایی‌شده برای دولت توسعه‌گرا در جدول شمارهٔ ۲ آمده است.

جدول شمارهٔ ۲: نتایج تحلیل مضمون دولت توسعه‌گرا (منبع: یافته‌های تحقیق)

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای نهایی
توسعه‌گرایی دولت	دولت متکی بر دیوان‌سالاری وبری	اصلاح سیستم‌ها و روش‌های اداری	توجه به امر نظارت
			پاسخگویی
			اصلاح رویه‌ها و روش‌های اداری
		قوانین و مقررات	مقررات‌زدایی
			تأکید بر قانون‌گرایی
		اصلاح ساختار تشکیلات اداری	لزوم تمرکززدایی
			تأکید بر اصلاح تشکیلات اداری
		مدیریت منابع انسانی	تأکید بر بازنشستگی مطلوب نیروی انسانی
			تأکید بر امور رفاهی نیروی انسانی
			تأکید بر ارزشیابی منابع انسانی
			نحوهٔ جذب منابع انسانی
			تأکید بر آموزش منابع انسانی
			تأمین و نگهداشت منابع انسانی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای نهایی
توسعه‌گرایی دولت	تأکید بر نقش مردم در دولت	لزوم همکاری مردم در توسعه	مشارکت عامهٔ مردم امور اجرایی کشور
			مشارکت مردم و نیروی انسانی در توسعهٔ اقتصادی
		نقش مردم در اصلاح نظام اداری	درخواست از مردم برای ارائهٔ گزارش تخلف
			جلب اعتماد مردم به سیستم اداری
			جلب مشارکت مردم در نظام پرداخت هماهنگ
			لزوم بررسی پیشنهادهای مردم برای اصلاح اداری
			لزوم آگاه‌سازی مردم از مقررات اداری

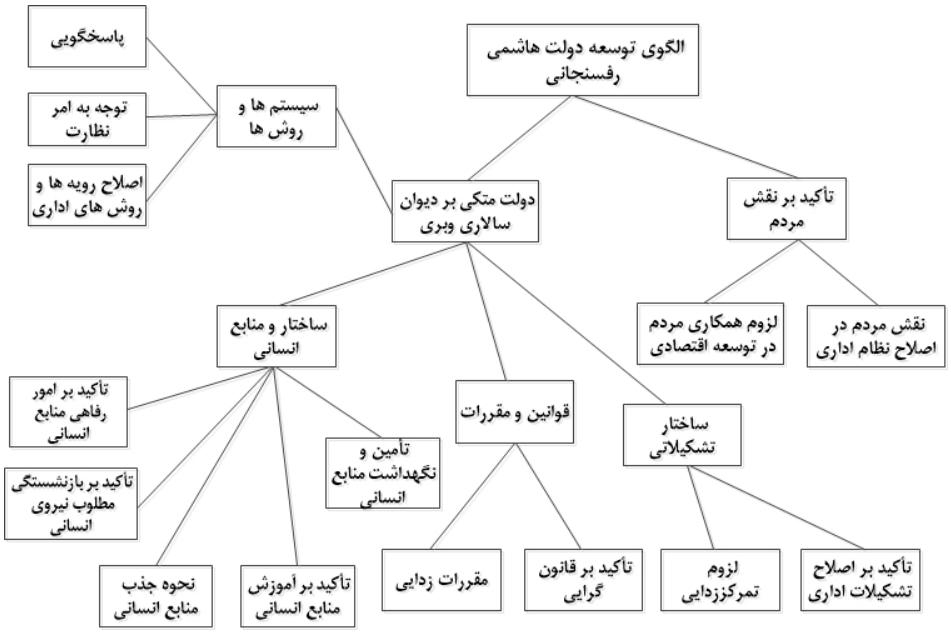

شکل شمارهٔ ۱: الگوی دولت توسعه‌گرا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

پس از شناسایی متغیرهای تحقیق، الگوی دولت توسعه‌گرا ایجاد شد که در شکل شمارهٔ ۱ قابل‌ملاحظه است. بر اساس یافته‌ها، دو بُعد شناسایی‌شده شامل تأکید بر نقش مردم در دولت و دولت متکی بر دیوانسالاری وبری است. البته، پس از ایجاد الگوی تحقیق، از ۳ نفر از خبرگان در مورد آن نظرخواهی شد که مدل به تأیید آن‌ها رسید.

به‌منظور بررسی پایایی از بین مصاحبه‌های انجام‌گرفته، تعداد ۴ مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب و هرکدام در فاصلهٔ زمانی ۱۵ روز مجدداً توسط پژوهشگران کدگذاری شد. پس‌ازآن کدهای تعیین‌شده برای هر یک از مصاحبه‌ها باهم مقایسه شدند که کدهای مشابه با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص گردید. محاسبات مربوط به پایایی در جدول شمارهٔ ۳ آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین کدها در مرحلهٔ اول ۱۲/۲۵، میانگین کدها در مرحلهٔ دوم ۱۴، میانگین توافقات ۱۱/۲۵، میانگین عدم توافقات ۲/۷۵ و پایایی کل ۸۶٪ است که با توجه به اینکه بیشتر از مقدار ۰/۷٪ است، پایایی کدگذاری تأیید شد.

جدول شمارهٔ ۳: قابلیت اعتماد یا پایایی نتایج پژوهش

مصاحبه	تعداد کدهای مرحلهٔ اول	تعداد کدهای مرحلهٔ دوم	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی
۱	۱۲	۱٤	۱۱	۳	۰/۸۵
۲	۱٤	۱۵	۱۲	۳	۰/۸۳
۳	۱۰	۱۲	۱۰	۲	۰/۹۱
٤	۱۳	۱۵	۱۲	۳	۰/۸٦
کل	۱۲/۲۵	۱٤	۱۱/۲۵	۲/۷۵	۰/۸٦

۲-۵. یافته‌های تحلیل محتوای کمّی

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کمّی نشانگر آن است که در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، تأکید اصلی دولت بر دیوان‌سالاری وبری بوده و به نقش مردم توجه کمتری شده است.

همان‌طور که داده‌های جدول شمارهٔ ۱ نشان می‌دهد، در سال اول استقرار ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸، در مقایسه با سال‌های دیگر بیشترین توجه بر نقش مردم در توسعه بوده است و در سال‌های بعد، این امر اهمیت بسیار کمی داشته است؛ تا آنجا که در سال ۱۳۷۲ به نقش مردم به‌طور کامل بی‌توجهی شده است. میزان تکرار مؤلفه‌ها طی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

هشت سال موردبررسی به‌جز سال ۱۳۷۲ کاهشی بوده است. گمان می‌رود استثنابودن این روند در سال ۱۳۷۲ به برگزاری انتخابات پیش رو مرتبط بوده است. صادقی (۱۳۷۸) نیز معتقد است وجود این نهادها در آن دوره در حداقل ممکن و از بسیاری جهات مواجه با موانع انبوه بوروکراتیک بوده است.

به‌طور کلی، کیم و هونگ (۲۰۲۲)، فورکور و کورا (۲۰۲۲)، فرید و لی (۲۰۲۱) و کارلسون و وامستاد (۲۰۲۲) در این زمینه که مشارکت دولت‌ها با نهادهای مردمی در جهت کارایی سیاست‌های دولت‌ها و کاهش فقر و جلوگیری از بازتولید آن مفید واقع می‌شوند، اشتراک نظر دارند. فرید و لی[1] (۲۰۲۱) و کارلسون و وامستاد[2] (۲۰۲۰) مدعی‌اند که وجود رابطه‌ای پیوسته و حمایت متقابل میان دولت و نهادهای مدنی می‌تواند در بازنگری قوانین حکومتی و درنتیجه تسهیل و هدفمندی اجرای سیاست‌های دولت مفید باشد و به کاهش فقر منجر گردد. همچنین، کیم و هونگ (۲۰۲۲) و فورکور و کورا (۲۰۲۲) معتقدند رشد جامعهٔ مدنی به جذب سرمایه‌های مادی از محل‌های غیردولتی کمک می‌کند و به کاهش فقر منجر می‌شود.

جدول شمارهٔ ۴: تعداد تکرار مقولات مرتبط با دو ویژگی دولت توسعه‌گرا در دولت‌های پنجم و ششم

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
تأکید بر دیوان‌سالاری	۱۵۱	۵۲	۵۷	۳۸	٦٤	۲٦	۳۵	۱۲	۳۱
تأکید بر نقش مردم	۱۱	۳	۱	۱	۳	۲	۱	۲	۳
جمع کل	۱٦۲	۵۵	۵۸	۳۹	٦۷	۲۸	۳٦	۱٤	۳٤



شکل شمارهٔ ۲: الگوی عملی توسعه‌ای دولت‌های پنجم و ششم

1. Farid & Li
2. Karlsson, & Vamstad

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

تأکید دولت بر ایجاد دیوان‌سالاری وبری، در تمام دورهٔ هشت‌سالهٔ ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی قابل‌رؤیت بوده است. نظام اداری، ماشین اجرایی دولت به حساب می‌آید و این ماشین اجرایی ابزار چهارگانه قوانین و مقررات، ساختار تشکیلاتی، سیستم و روش‌ها و ساختار منابع انسانی را برای ایفای نقش خود در اختیار دارد (میرسپاسی، ۱۳۷۸). ساختار منابع انسانی با ۱۸۲ بار تکرار (۳۹/۱٪) دارای بالاترین فراوانی بوده است. سیستم‌ها و روش‌های اداری با ۱۳۴ تکرار (۲۸/۸٪) در رتبهٔ بعدی، ساختار و تشکیلات اداری با ۹۲ تکرار (۱۹/۷٪) دارای رتبهٔ سوم و قوانین و مقررات با ۵۸ تکرار (۱۲/۴٪) از کمترین اهمیت برخوردار بوده است. درحالی‌که طبق مطالعات، پی‌ریزی قوانین و مقررات پشتیبان توسعه، دارای بیشترین اهمیت در شکل‌گیری ارادهٔ دولت در ایجاد توسعه است (شکل شمارهٔ ۳).

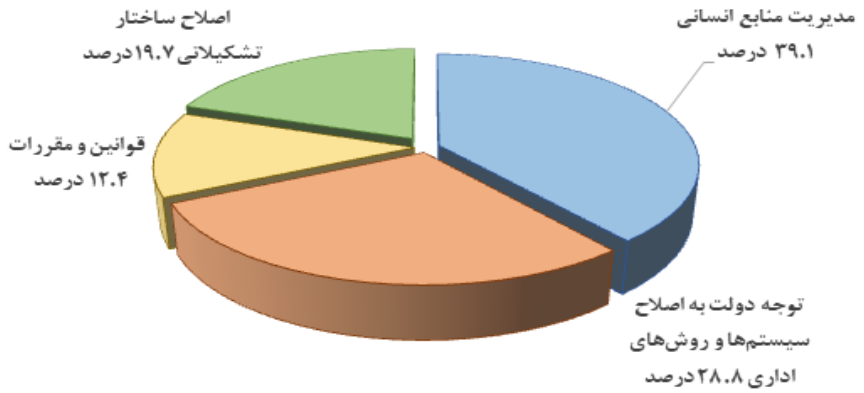

شکل شمارهٔ ۳: درصد تکرار مقوله‌های دیوان‌سالاری وبری در دولت‌های پنجم و ششم



شکل شمارهٔ ۴: درصد تکرار مقولات تأکید بر نقش مردم (منبع: یافته‌های تحقیق)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

در جدول شمارهٔ ۵، تکرار مقولات و مؤلفه‌های تأکید بر جایگاه مشارکت مردم، در قالب نهادهای مدنی در دولت‌های پنجم و ششم نشان داده شده است.

مقولات	مؤلفه‌ها	فراوانی	مقولات	مؤلفه‌ها	فراوانی
لزوم همکاری مردم در توسعه اقتصادی	هدف به‌کارگیری مشارکت عامه مردم در لایحه برنامه دوم توسعه	۱	نقش مردم در اصلاح نظام اداری	درخواست از مردم برای ارائه گزارش تخلف	۱
	ضرورت مشارکت بیشتر مردم در امور کشور	۱		جلب اعتماد مردم به سیستم اداری مهم‌ترین سرمایه نظام	۱
	داشتن پایگاه نیرومند مردمی، به‌عنوان یکی از عوامل مهم موفقیت نظام	۱		جلب مشارکت مردم در نظام پرداخت هماهنگ	۱
	مردم و نیروی انسانی عامل اصلی توسعه	۲		لزوم بررسی دقیق پیشنهادها مردم برای اصلاح اداری	۱
	نقش مردم در توسعه اقتصادی	۱		نقش مردم اصلاح سیستم اداری	۱
	به‌کارگیری مشارکت مردم در اجرای برنامه‌ها	۱		لزوم آگاه‌سازی مردم از مقررات اداری	۱
	به‌کارگیری مشارکت مردم توسعه اقتصادی	۱			
	اجرای برنامه‌های دولت با همکاری مردم				
	لزوم استفاده از کمک‌های مردمی	۱			
	به‌کارگیری مشارکت مردم در توسعه	۱			
	لزوم استفاده از حمایت مردم در توسعه کشور	۱			
	فراخوان مشارکت مردم در بازسازی	۱			
	استفاده از مشارکت مردم	۱			
	استفاده از توان مردم در بازسازی کشور	۱			

جدول شمارهٔ ۵: تعداد تکرار مقولات و مؤلفه‌های تأکید بر نقش مردم (منبع: یافته‌های تحقیق)

شرایط اقتصادی دولت سازندگی از نگاه رویکرد دولت توسعه‌گرا

یکی از بنیادی‌ترین مشکلات اقتصادی، تورم و اثرات نامساعد آن بر اقتصاد است. تورم با ایجاد ناامنی اقتصادی، مانع از تشکیل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود و توزیع درآمد را دچار اختلال می‌کند؛ به‌نحوی‌که این توزیع به نفع ثروتمندان و به زیان گروه فقیر خواهد بود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

نتایج مطالعات مختلف در حوزهٔ اقتصادی نشان می‌دهد که تورم سبب می‌شود طبقات بالای جامعه از ثروت و امکانات اقتصادی و اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و به بهای زیان طبقات پایین‌تر سود ببرند که این نابرابری و شکاف طبقاتی بیشتر در جامعه را در پی دارد.

دولت سازندگی که از اواخر دههٔ ۱۳۶۰ بر سَر کار آمد، به علت خسارت‌های ناشی از جنگ و ضرورت بازسازی، به‌جای تمرکز بر ظرفیت‌های و قابلیت‌های بومی برای توسعه، بیشتر بر رویکرد اقتصاد بازار و خصوصی‌سازی متمرکز بود. مهم‌ترین اهداف این دولت کاهش نرخ تورم، افزایش تولید ملی و بهبود تراز پرداخت بود که برای رسیدن به آن سیاست‌های مختلفی چون کاهش ارزش پول ملی، کاهش کسری بودجه، کاهش یارانه‌ها، افزایش مالیات‌ها، خصوصی‌سازی، کنترل قیمت‌ها و کوچک‌کردن دولت به کار گرفته شد. به‌کارگیری سیاست نئولیبراسیتی «تعدیل ساختاری» و «تعدیل اقتصادی» از ابتدای دورهٔ سازندگی، مسیر توسعه را تغییر داد و تورم، نرخ رشد بیکاری، افزایش مهاجرت و نوسانات شدید بازار، از پیامدهای این سیاست‌ها بود که کشور را با نوعی بی‌ثباتی مواجه کرد.

جدول شمارهٔ ۶، نرخ تورم طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ را نشان می‌دهد. در سال اول دولت سازندگی که با اتمام جنگ هشت‌ساله آغاز شد، نرخ تورم تا حدود ۱۷٪ پایین آمد. بلافاصله در سال ۱۳۶۹، دولت موفق به کاهش ۶درصدی نرخ تورم شد؛ اما پس از سال ۱۳۶۹، نرخ تورم در قالب یک سیر صعودی به بیش از ۶۰٪ در سال ۱۳۷۴ رسید و دولت سازندگی «بیشترین نرخ تورم اقتصاد ایران» را برای خود ثبت کرد.

جدول شمارهٔ ۶: نرخ تورم طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۴ (منبع: سایت بانک مرکزی)

سال	۱۳٦۸	۱۳٦۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷٤	۱۳۷۵
نرخ تورم	٪۱۷	٪۱۱	٪۲۲	٪۲۷	٪۲۵	٪٤۰	٪٦۰	٪۳۱

درنتیجه، میانگین نرخ تورم در دولت‌های پنجم و ششم (طی سال‌های ۱۳۶۸- ۱۳۷۵)، ۲۵/۳٪ بوده است. در این مقطع میانگین رشد اقتصادی ۵/۵٪ و نرخ بیکاری نیز ۹/۱٪ بوده است. روند نرخ تورم نیز در شکل **شمارهٔ ۵** ارائه شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

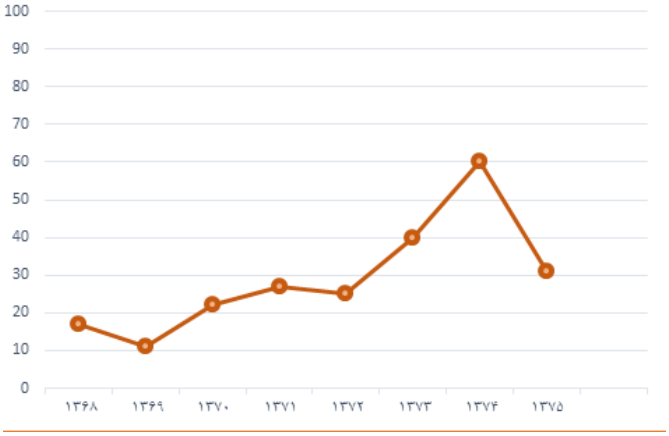

شکل شمارهٔ ۵: روند نرخ تورم طی سال‌های ۱۳۶۸- ۱۳۷۴ (منبع: سایت بانک مرکزی)

با استناد به اطلاعات مرکز آمار ایران و با استفاده از جمعیت فقرا، درصد جمعیت فقیر کشور در دورهٔ موردبررسی (۱۳۶۸- ۱۳۷۴)، محاسبه و در جدول شمارهٔ ۷ ارائه شده است. همان‌طور که نمایان است، در سال آغاز به کار دولت نسبت جمعیت فقرا نسبت به جمعیت کل کشور، با توجه به آسیب‌های ناشی از جنگ، بیکاری، ازدست‌رفتن منابع مالی خانوارها و ازدست‌دادن خانه و زندگی به‌ویژه در مناطق مرزی ۳۵/۱٪ بوده است. در سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ با توجه به روند افزایشی نرخ تورم، درصد جمعیت افراد فقیر در کشور روند کاهشی داشته است؛ اما از سال ۱۳۷۳ به بعد با توجه به افزایش چشم‌گیر و ناگهانی تورم، جمعیت فقیر کشور نیز افزایش زیادی پیدا کرده است.

جدول شمارهٔ ۷: درصد جمعیت فقرا نسبت به جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۴ (منبع: سایت مرکز آمار ایران)

سال	جمعیت کل	جمعیت فقرا (کل کشور)	درصد
۱۳۶۸	۵۳,۱۸۵,۰۰۰	۱۸,٦٦۷,۹۳۵	۳۵/۱
۱۳٦۹	۵٤,٤۹۳,۰۰۰	۱۸,۱٤٦,۱٦۹	۳۳/۳
۱۳۷۰	۵۵,۸۳۷,۰۰۰	۱۷,۰۳۰,۲۸۵	۳۰/۵
۱۳۷۱	۵٦,٦۵۸,۰۰۰	۱۷,۲۸۰,٦۹۰	۳۰/۵
۱۳۷۲	۵۷,٤۹۱,۰۰۰	۱۷,۷۰۷,۲۲۸	۳۰/۸
۱۳۷۳	۵۸,۳۳٦,۰۰۰	۱۹,۳٦۷,۵۵۲	۳۳/۲

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

سال	جمعیت کل	جمعیت فقرا (کل کشور)	درصد
۱۳۷٤	٥٩,١٩٣,٠٠٠	١٨,٩٤١,٧٦٠	۳۲
۱۳۷٥	٦٠,٠٥٥,٠٠٠	١٧,٢٣٥,٧٨٥	۲۸/٦

شکل شمارهٔ ۶، درصد جمعیت فقیر کشور را طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ نشان می‌دهد.

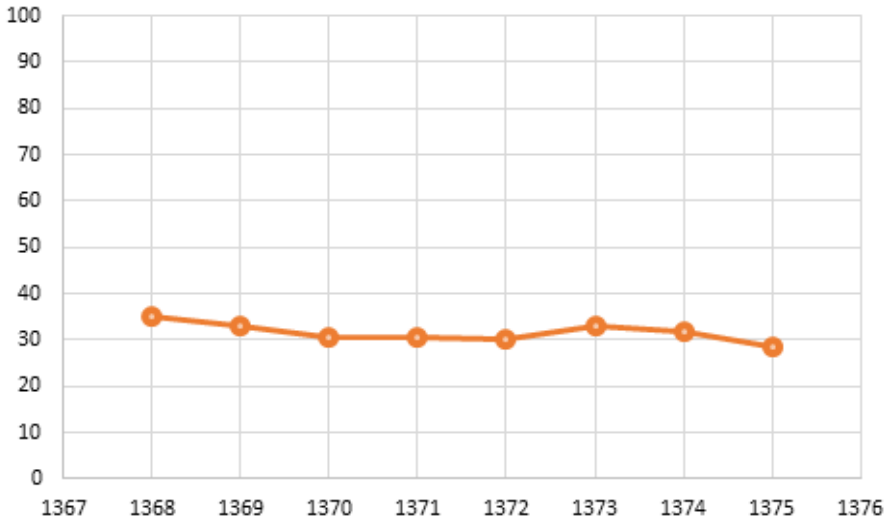

شکل شمارهٔ ۶: جمعیت فقرای کشور طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۴ (منبع: سایت مرکز آمار ایران)

همچنین، تعداد افراد فقیر تحت پوشش کمیته امداد، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستگاه‌های حمایتی، در نمودار نیز نمایان است. آمار افراد درگیر در چرخه فقر، بیانگر آن است که تعداد افراد فقیر در دورهٔ موردبررسی رو به رشد بوده است. علت مطالعه تحت پوشش کمیته امداد تا سال ۱۳۷۷ نیز به این دلیل است که در نظر است اثرات سیاست‌های مشارکتی دولت با جامعه مدنی تا یک سال پس از اتمام دوره سازندگی نیز بررسی شود.

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، تعداد افراد فقیر در دوره موردبررسی روند افزایشی داشته است. نتایج تحقیق افراسیابی و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان می‌دهد بر اساس داده‌های سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹، وجود پدیده تورم به گسترش فقر در جامعه کمک کرده است. پدیده شوم تورم در این دوره سبب کاهش قدرت خرید بخش بزرگی از جامعه شده و آن‌ها را به خط فقر نزدیک کرده و یا در دامنه فقر قرار داده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

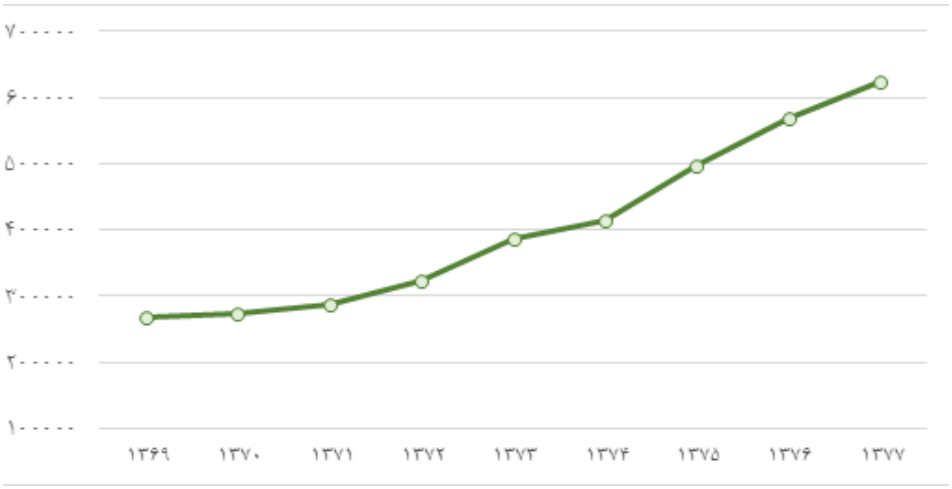

شکل شمارهٔ ۷: تعداد خانوارهای تحت پوشش کمیتهٔ امداد امام خمینی در دولت‌های پنجم و ششم (منبع: سایت مرکز آمار ایران)

روند روبه‌رشد تعداد فقرا در مطالعهٔ فقر در ایران در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ نیز تأیید شده است. در این مطالعه بیان شد که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ جمعیت زیر خط فقر در ایران کاهش یافته است، اما در سال ۱۳۷۱ جمعیت فقرا افزایش یافته و به حداکثر خود رسیده است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

همچنین طبق نتایج مطالعهٔ برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹، خط فقر شهری معادل ۲۱٪ و خط فقر روستایی معادل ۲۲٪ رشد داشته است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴:۱۳). نتایج مطالعهٔ فقر در ایران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ نیز نشان داد که فقر در این دوره در کل کشور و در نواحی روستایی افزایش یافته است (محمودی، ۱۳۸۱: ۲). در همین راستا، در پژوهش سیفی و ساعی (۱۴۰۱) تأثیر سیاست‌های توسعه‌گرایی دولت بر کاهش فقر تأیید گردیده است.

همچنین، نتایج تحقیق بزازان و همکاران (۱۳۹۴) گویای آن است که میزان کارایی سیاست‌های دولت در کاهش فقر ۶۹٪ است. علاوه بر این، نتایج پژوهش محمودی (۱۳۸۱) و حیدری و همکاران (۱۳۸۴) تاییدکننده یافته‌های به دست آمده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

٦. بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق طراحی الگوی توسعه‌گرای بر پایهٔ مدل اوانز و بررسی میزان توسعه‌گرایی در دولت‌های پنجم و ششم جمهوری اسلامی ایران بود. همچنین این مسئله دنبال شد که دولت‌های یادشده بر اساس معیارهای علمی تا چه حد توسعه‌گرا بوده‌اند و این امر چه تأثیری بر توسعهٔ فقر در جامعه داشته است.

بر پایهٔ یافته‌ها برای توسعه‌گرایی دولت، دو بُعدِ تأکید بر ارتباط با جامعه مدنی در دولت و دولت متکی بر دیوانسالاری وبری و شش مؤلفه شناسایی شد. نتایج نشان داد که تأکید دولت‌های پنجم و ششم (بیش از ۹۰٪) بر ویژگی نخست یعنی اتکا بر دیوان‌سالاری وبری بوده و صرفاً ۴/۹٪ سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها به نقش مردم اختصاص داشته است؛ بنابراین، توسعه‌گرایی در دولت‌های پنجم و ششم، ناقص و بدون بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای مدنی بوده است.

بدین‌ترتیب، الگوی ارتباطی دولت‌های پنجم و ششم را می‌توان الگویی غیرتوسعه‌گرا توصیف کرد که جامعهٔ مدنی را در برنامه‌های خود فراموش کرده بود. همچنین، از میان مقولات دیوانسالاری وبری، پایه‌گذاری قوانین و مقررات مرتبط که امتیاز ویژه‌ای در ایجاد دولت توسعه‌گرا دارد را در پایین‌ترین سطح توجه قرار داده بود. بهره‌نگرفتن از ظرفیت نهادهای مردمی و مدنی در فرآیند توسعه کشور در دولت‌های پنجم و ششم، باعث شد دولت به‌تنهایی برای مقابله با فقر اقدام نماید و نتواند مشارکت مردمی را فعال کند.

نتایج نشان داد این دولت در روندی طولی، مشارکت مردمی را کاهش داد و به سمت دیوانسالاری و تکیه بر نظام اداری حرکت کرد و از یک رابطهٔ پیوسته و متقابل با نهادهای مردمی و مدنی محروم شد. به‌بیان‌دیگر، به‌مرورزمان نقش مردم را در حکمرانی مشارکتی خود کاهش داد که تأثیر این مسئله، گسترش فقر در جامعه بود. البته، اگرچه در دولت‌های موردبررسی نگاه دیوان‌سالارانه به توسعه حاکم بود، اما در برخورد با پدیده‌ای مانند فقر این رویکرد کارگشا نیست. بنابراین، باید پذیرفت حرکت‌های سازمان‌یافتهٔ مردمی اثر قابل‌ملاحظه‌ای در کنترل و کاهش فقر دارد که دولت‌های یادشده با عدم درک این موضوع، موجبات گسترش فقر را فراهم کردند. این در حالی است که جلب مشارکت مردمی در این دوره، صرفاً از سر نیاز و اضطرار و آن‌هم در حوزه‌های مشخص زیرساختی بود و مشارکت مردمی ذاتاً و به‌مثابهٔ نقش‌آفرینی فعال و نهادی [نَه توده‌ای] در امور کشور اولویتی برای دولت نداشت.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

درمجموع، می‌توان بیان داشت دولت‌های پنجم و ششم واجد همهٔ ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا نبوده‌اند و همین می‌تواند به‌عنوان یکی از دلایل غیرمستقیم بازتولید فقر در جامعه باشد. البته، افزایش شدید تورم و افزایش بیش از دو برابری تعداد خانوارهای تحت پوشش کمیتهٔ امداد به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستگاه‌های حمایتی، نشان‌دهندهٔ گسترش بیشتر فقر در این دوره است. اگرچه نمی‌توان به‌طور قطعی توسعه‌گرایی نامطلوب را باعث گسترش فقر در دولت‌های پنجم و ششم دانست، اما با توجه به پیوستگی بین متغیرهای اقتصادی، می‌توان توسعه‌گرایی ناقص و گزینشی در این دوره را یکی از عوامل توسعه فقر به شمار آورد. در منابع پژوهشی نیز وجود رابطه بین سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها و شرایط فقر در جوامع تأیید شده است.

در پایان ازآنجاکه این قبیل مباحث افزون بر دانش‌افزایی در زمینهٔ مبانی علمی دولت توسعه‌گرا، می‌تواند توسط اساتید، دانشجویان، سیاست‌گذاران دولتی و علاقه‌مندان به مبانی علمی توسعه مورد استفاده قرار گیرد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی عملکرد دیگر دولت‌ها نیز در زمینهٔ توسعه‌گرایی بررسی شود و نهایتاً بین عملکرد دولت‌های پس از انقلاب بررسی تطبیقی انجام پذیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و احمدرش، رشید (۱۳۹۴). توسعه و مناقشات پارادایمی جدید (جلد دوم). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- اندروز، مت، پریچت، لنت و وولکاک، مایکل (۱۳۹۸). توانمندسازی حکومت؛ شواهد، تحلیل عمل. ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی. تهران: روزنه.
- اسدی، زاهد؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد و ربیعی، علی (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۰(۱۱)، ۱۱۵-۸۹.
- اوانز، پیتر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی. ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر. تهران: طرح نو.
- افراسیابی، محمد، دامن‌کشیده، مرجان و رحیمی، رضا (۱۴۰۰). بررسی اثر تورم بر فقر با استفاده از مدل اقتصادسنجی و دیدگاه‌های قرآن کریم. فصلنامه اقتصاد و کسب‌وکار، ۱۲(۲۲)، ۵۸-۴۱.
- سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۷۲). برنامه مبارزه با فقر. تهران: سازمان برنامه‌وبودجه.
- بزازان، فاطمه، قاسمی، عبدالرسول، راغفر، حسین و حسنوند، صدیقه (۱۳۹۴). بررسی کارآیی سیاست‌های دولت در کاهش فقر در ایران. تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران، ۳(۸)، ۳۲-۹.
- پروانه، محمود (۱۳۹۴). نقد گفتمان دولت سازندگی مبتنی بر گفتمان سیاسی امام خمینی (ره). اندیشنامه ولایت، ۱(۱)، ۱۱۹-۸۷.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

- پوراصغر سنگاچین، فرزام و رمضانی، جواد (۱۳۹۵). توانمندسازی و کاهش فقر. تهران: کریم‌خان زند.
- پورعزت، علی‌اصغر و نجابت، انسیه (۱۳۹۱). بررسی خط‌مشی‌های فقرزدایی و رتبه‌بندی آن‌ها. رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶)، ۳۱۸-۲۹۹.
- پیرانی، شهرام، شمس‌الدین، صادق و اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی توسعه‌گرایی در دولت سازندگی و مقایسه آن با روند توسعه کره جنوبی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۱۲)، ۱۶۷۵-۱۶۵۸.
- چانگ، هاجون (۱۳۸۸). دولت توسعه‌گرا، ترجمه آرش. اسلامی و میثم قاسم‌نژاد. تهران: مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، چاپ کامیاب.
- حاجی‌ناصری، سعید، یارخی جوشقانی، حسینعلی و شیخ سرایی، نجف (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان رابطه دولت و طبقات اجتماعی در دولت سازندگی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۴)، ۲۱-۱.
- حسینی‌نژاد، سیدمرتضی و اقتصادیان، محمدرضا (۱۳۹۴). ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در موردکاهش فقر با استفاده از روش «سلطه تصادفی». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳(۳۶)، ۶۱-۳۳.
- حیدری، خلیل؛ خداداد کاشی، فرهاد و باقری، فریده (۱۳۸۴). برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳. رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۱۶۰-۱۳۴.
- راغفر، حسین و ابراهیمی، زهرا (۱۳۸۶). فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۸. رفاه اجتماعی، ۶(۲۴)، ۸۲-۵۵.
روزنامه اطلاعات (۱۳۷۶-۱۳۶۸). آرشیو شماره‌های منتشرشده بین سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۶.
- سایت بانک مرکزی ایران. https://www.cbi.ir
- سایت مرکز آمار ایران. https://amar.org.ir
- سیفی، عبدالرضا و ساعی، احمد (۱۴۰۱). دولت توسعه‌گرا و فقر. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۹)، ۳۲-۲.
- شورچی، حافظ (۱۳۹۵). مقایسه رویکرد توسعه ای دولت ها در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۷۶). رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیرعلی، اسماعیل (۱۳۹۹). سیاست‌های تعدیل ساختاری در دولت سازندگی و شاخص‌های فلاکت اقتصادی در ایران، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۱۱)، ۲۱۴-۱۸۹.
- صادقی، رحمت‌الله (۱۳۷۸). هاشمی‌رفسنجانی در بوته نقد (نگاهی به آیینه مطبوعات). تهران: گفتمان.
- عبداللهی، محسن و بشیری‌موسوی، مهشید (۱۳۹۴). نقش سازمان‌های جامعه مدنی در فقرزدایی. رفاه اجتماعی، ۱۵(۵۹)، ۳۲-۷.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: سمت.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۴۰۰). نظم و زوال سیاسی. ترجمه رحمان قهرمان‌پور. تهران: روزنه.
- گریفین، کیت (۱۳۷۵). راهبردهای توسعه اقتصادی. ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی. تهران: نی.
- گزارش تحقیقاتی بانک جهانی (۱۳۷۹). معجزه آسیای شرقی، مترجم محمدتقی بانکی. تهران: سروش.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱). اندازه‌گیری فقر در ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۶(۲۴)، ۵۷-۲۷.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-08-20]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1402.14.2.7.9]

[DOI: 10.61186/jspi.14.2.311]

- میرسپاسی، ناصر (۱۳۷۸). نگرش راهبردی بر نظام اداری و توسعه. نشریه مدیریت دولتی، ۴۳، ۷-۵.
- نعمتی‌میری، فرامرز، شیرزادی، رضا و صدیق، میرابراهیم (۱۴۰۰)، تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت‌محور بر شکاف طبقاتی. علوم سیاسی، ۱۷(۵۷)، ۱۵۰-۱۲۸.
- Abubakar, I. R. (2022). Multidimensional poverty among Nigerian households: Sustainable development implications. Social Indicators Research, 164(2), 993-1014.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, 3, 77-10.
- Farid, M., & Li, H. (2021). Reciprocal engagement and NGO policy influence on the local state in China. VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations, 32(3), 597-609.
- Forkuor, D., & Korah, A. (2022). NGOs and sustainable rural development: Experience from Upper West Region of Ghana. Environment, Development and Sustainability, 25, 351-374.
- Karlsson, M., & Vamstad, J. (2020). New deeds for new needs: Civil society action against poverty in Sweden. VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations, 31(5), 1025-1036.
- Kim, S. G., & Hong, J. (2022). The government-civil society relationship in korean international development cooperation from a historical perspective. Singapore: Palgrave Macmillan.
- Merriam, S. B. (2009). Qualitative research: A guide to design and implementation. John Wiley & Sons.
- Mukaila, R., Falola, A., Akanbi, S. U. O., Aboaba, K. O., & Obetta, A. E. (2022). Drivers of Poverty among Rural Women in Nigeria: Implication for Poverty Alleviation and Rural Development. Journal of Rural and Community Development, 17(1).
- Sé nit, C. A. (2020). Leaving no one behind? The influence of civil society participation on the Sustainable Development Goals. Environment and Planning C: Politics and Space, 38(4), 693-712.
- Thorbecke, E., & Ouyang, Y. (2022). Towards a virtuous spiral between poverty reduction and growth: Comparing sub Saharan Africa with the developing world. World Development, 152, 105776.
- Wardana, W., diwanegara, R., prisandy, R. F., & rohim, A. (2023). Does financial development alleviate poverty? Empirical evidence from indonesia. Journal of developing economies, 8(1).
- Zhang, X., Sun, Y., Gao, Y., & Dong, Y. (2022). Paths out of poverty: Social entrepreneurship and sustainable development. Frontiers in Psychology, 13, 1062669.
- Zhu, Y., Bashir, S., & Marie, M. (2022). Assessing the relationship between poverty and economic growth: does sustainable development goal can be achieved? Environmental Science and Pollution Research, 29(19), 27613-27623.

Archive of SID.ir